

### Investigating the fundamentals of the legitimacy of absent prayer in the jurisprudence of Islamic schools of thought

### واکاوی مبانی مشروعیت نماز میت غیابی در فقه مذاهب اسلامی

Morteza Rahimi<sup>1\*</sup>

مر تزی رحیمی<sup>۱\*</sup>

1-Associate Professor, Department of Qur'anic Sciences and Jurisprudence, Faculty of Theology, Shiraz University, Shiraz, Iran.

۱- دانشیار، گروه علوم قرآن و فقه، دانشکده الهیات، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

Received Date: 2022/02/14

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵

Accepted Date: 2022/05/18

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۲۸

#### Abstract

Different jurisprudences of Islamic schools have contradicting ideas about the absent prayer. This contradiction is due to several reasons, including the hadith from The Prophet (PBUH) about his prayer for Najashi. The objective of this study is to investigate the jurisprudential foundations of absent prayer for a dead body in different jurisprudence of Islamic schools. The results showed that those who believe in absent prayer based on the Najashi hadith, they have some disagreements with the instances of absent corpse. Some of them believe that such prayer is acceptable only for those who have a prominent feature. Some others extended the domain of dead corpse to a great extent that included death of Corona, missed or drowned bodies etc. On the other hand, there are different viewpoints about the absent prayer in mega cities. Imami's and some of the Sunnah's jurisprudences do not believe in absent prayer. This perspective is correct; as the word "Salah" can be interpreted as praying, too and Prophet Mohammad (PBUH) prayed for him. Even if "Salah" is translated as the act of praying, the corpse of Najashi became present for The Prophet (PBUH) and he prayed for the present corpse. All the Islamic jurisprudences believe that some of the conditions of the dead body prayer can be ignored. The present study has been carried out based on library sources and descriptive and analytical method.

**Keywords:** prayer, dead body prayer, absent dead body prayer, Islamic school of thoughts.

#### چکیده

مذاهب اسلامی درباره حکم نماز میت غایب اختلاف نظر دارند که برآمده از عوامل مختلفی، همچون تفسیر روایات ناظر به نماز پیامبر گرامی اسلام بر جسد نجاشی است. در پژوهش حاضر که به استناد منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده بر آن هستیم تا مبانی فقهی نماز میت غیابی در فقه اسلامی واکاوی کنیم. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مذاهب فقهی با وجود اختلاف در مصادیق میت غایب، بر جواز نماز میت غایب و اعتبار روایات ناظر به نماز پیامبر بر جسد نجاشی تأکید دارند. گروهی از فقها این نوع نماز را تنها درباره مردگانی جایز دانسته‌اند که ویژگی برجسته‌ای دارند؛ اما برخی نیز دامنه میت غایب را گسترده‌تر دانسته، مفقودان، غرق‌شدگان را هم در برمی‌گیرد. همچنین درباره نماز میت غایب در شهرهای بزرگ (بلاد کبیر) نیز دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد. آن گونه که فقهای امامیه و برخی از مذاهب اهل سنت، تصریح کرده‌اند، نماز بر میت غایب جایز نیست؛ زیرا واژه «صلاة» در مورد عمل پیامبر نسبت نجاشی قابل تفسیر است. ضمن این که احتمال حاضر شدن جسد نجاشی نزد پیامبر و اقامه نماز بر وی وجود دارد.

**واژگان کلیدی:** نماز، نماز میت، نماز میت غایب، فقه مذاهب اسلامی.

## ۱. طرح مسأله

در منابع اسلامی تصریح شده که پیامبر(ص) در هنگام وفات نجاشی در سال ۹ هجری با به‌کار بردن واژه‌ی «صلّوا» به صلاة بر نجاشی توصیه نموده است و خودشان و صحابه بر نجاشی نماز خواندند (برای او دعا کردند) همین امر و علل دیگر موجب پرسش‌هایی شده، از جمله «آیا پیامبر(ص) بر نجاشی نماز خوانده‌اند یا برای ایشان دعا و طلب مغفرت نموده‌اند؟، بر فرض این‌که پیامبر(ص) بر نجاشی نماز خوانده باشند، آیا می‌توان بر اموات غایب مشابه نیز نماز خواند؟ برخی از مذاهب فقهی آن را نماز دانسته و به دلایلی آن را به دیگر افراد نیز تعمیم داده‌اند، از همین رو در فقه عنوان «صلاة الغایب» مورد توجه قرار گرفته است. لذا اشاره به دیدگاه فقهای امامیه و نیز مذاهب اهل سنت و دلایل آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

در خصوص پیشینه تحقیق باید گفت که پژوهش مستقلی درباره نماز میت غیابی از دیدگاه مذاهب فقهی اسلامی وجود ندارد، در برخی از منابع فقهی شیعه به صورت پراکنده در بحث «صلاة میت» بحث‌هایی به چشم می‌خورد؛ اما در فقه اهل سنت، به ویژه آن دسته از مذاهب فقهی ایشان که نماز میت غیابی را جایز می‌دانند، عناوین مستقلی، مانند «احکام الجنائز» از محمد ناصر الدین آلبنی و «صلاة الغائب» از حسام الدین موسی جفانه به چشم می‌خورد. در کتاب «صلاة الغائب» از انواع نمازهای میت، از جمله «نماز میت غایب» سخن به میان آمده است؛ اما کتاب مذکور، بین دیدگاه مذاهب فقهی اهل سنت و امامیه بررسی تطبیقی انجام نداده و به نماز میت در شرایط اضطراری، از جمله کرونا و نیز به مصادیق میت غایب اشاره ننموده است، همچنین به دیدگاه فقهی اباضیه و زیدیه در این باره اشاره‌ای نکرده است؛ لذا هدف از پژوهش حاضر که با روش توصیفی — تحلیلی انجام شده است، آن است که ضمن توضیح «صلاة الغایب» به پرسش‌هایی، مانند این‌که: آیا نماز پیامبر(ص) بر نجاشی دلیل بر شرعیت نماز بر میت غایب است؟ و آیا بر مردگان کرونایی می‌توان نماز میت غایب خواند؟ و نیز مصادیق میت غایب کدامند؟ همچنین دلایل اختلاف مذاهب فقهی درباره جواز و عدم جواز نماز غیابی چیست؟ و مانند اینها پاسخ گوید.

## ۲. مفهوم صلاة الغائب

از جمله شرایط نماز میت آن است که جنازه میت در جلو امام جماعت و نمازگزاران به سمت قبله و روی زمین قرار داشته باشد (اشتهاردی، ۱۴۱۷ق، ۸/۱۴۲؛ ابن عابدین، ۱۴۱۵ق، ۲/۱۴۸). منظور از میت غایب یا «المیت الغائب عن البلد»، مسلمانی است که در شهری دیگر وفات یافته باشد (شعود، بی تا، ۲/۱۴۱).

تعریف مزبور مصادیق «میت غایب» را افزایش می دهد؛ زیرا هر فردی که در غیر از شهر نمازگزار وفات یافته باشد، میت غایب تلقی می شود، با این حال هر میت غیابی واجد شرایط نماز میت غیابی نیست، بلکه مثلاً باید شهری که فرد مسلمان در آن وفات یافته است، از بلاد کفر باشد، یا آن که مسلمان در جایی وفات یافته باشد که بر او نماز نخوانده باشند، یا آن که آن فرد از لحاظ علم یا مال یا وجهه برجسته و شاخص باشد، در این صورت بر وی نماز غایب خوانده می شود (صدیقی عظیم آبادی، ۱۴۱۵ق، ۹/۵). برخی از فقهای اسلامی بر این باورند که اگر فردی در یک طرف بلاد کبیره وفات یابد، مسلمانان دیگر سمت آن شهرها، مجاز هستند که بر وی نماز میت بخوانند (شعود، ۱۴۲۷ق، ۵/۲۳۲). برخی دیگر نیز مسلمانی که طعمه درنده شده یا در دریا غرق شده است را مصداق «میت غایب» دانسته اند (شنقیطی، ۱۴۳۶ق، ۳/۱۹۳). برخی نیز مردگان کرونایی را «میت غایب» دانسته اند (عبد الله هادی، ۲۰۲۰، ش ۳۸، ۱۰۰۷). در این صورت عنوان «میت غایب» شمول بیشتری می یابد.

منظور از «صلاة الغایب» آن است که جنازه میت روبروی امام جماعت و نمازگزاران و به سمت قبله نباشد، بلکه مثلاً جنازه میت در نقطه ای دیگر یا شهر و سرزمین دیگری قرار داشته باشد، یا آن که جنازه میت مفقود شده یا از بین برود، در عین حال توسط گروهی که از جنازه مزبور فاصله دارند و آن را نمی بینند بر آن نماز میت بخوانند (عفانه، ۱۴۱۷ق، ۱/۱۷). برخی «رو به قبله نبودن جنازه» را در تعریف «صلاة الغایب» دخیل نمی دانند و بر این باورند که تنها در صورتی که میت در سمت قبله باشد، نماز غیابی بر وی صحیح است.

اگر جواز نماز میت غایب را مشروط به آن بدانیم که بر میت غایب «نماز میت» نخوانده باشند (صدیقی عظیم آبادی، ۱۴۱۵ق، ۹ / ۵)، در این صورت «عدم اقامه نماز میت» شرط صدق «نماز میت غایب» خواهد بود، خواه میت غایب در شهری که وفات یافته است مدفون شده باشد، خواه جنازه وی را به شهر دیگری منتقل کرده باشند؛ اما اگر نماز میت غایب مشروط به آن نباشد که دیگران بر میت غایب نماز نخوانده باشند، «عدم اقامه نماز میت»، شرط صدق عنوان «نماز میت» نخواهد بود. در فرض صحت نماز میت غیابی، نمازگزاران رو به قبله ایستاده و نیت کرده و به گونه‌ای که بر جنازه حاضر، نماز میت خوانده می‌شود، بر میت غایب نماز می‌خوانند، خواه آن میت در جهت قبله باشد، خواه در جهت قبله نباشد (ابن قدامه، ۱۳۸۸ق، ۲ / ۳۸۲).

### ۳. شرایط نماز میت

مذاهب فقهی اسلامی درباره نماز میت شرایطی را بیان نموده‌اند، برخی از آن شرایط چگونگی اختلاف درباره صحت و عدم صحت نماز میت غایب را نشان می‌دهند، که به شکل زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند:

#### ۱،۳. شرایط نماز میت از دیدگاه امامیه

- ۱- مسلمان بودن میت (علامه حلی، تحریر، بی تا، ۱۸/۱)
- ۲- میت به پشت بر روی زمین خوابانده شود.
- ۳- سر میت به سمت راست نمازگزار و پای میت به سمت چپ نمازگزار باشد.
- ۴- نمازگزار پشت میت و موازی با میت باشد.
- ۵- بین جنازه میت و نمازگزار حائل، چون دیوار و مانند آن نباشد.
- ۶- بین جنازه میت و نمازگزار فاصله زیادی نباشد به گونه‌ای که وقوف در نزد جنازه صدق نکند.
- ۷- جنازه میت و نمازگزار به صورت زیاد بالاتر از یکدیگر نباشند.
- ۸- میت سمت قبله باشد (اشتهدی، ۱۴۱۷ق، ۴ / ۱۴۸).
- ۹- نمازگزار در حال اقامه نماز میت ایستاده باشد.

- ۱۰- تعیین میت به گونه‌ای که رافع ابهام باشد.
  - ۱۱- قصد قربت (راوندی، ۱۴۰۷ق، ۱۸).
  - ۱۲- مباح بودن مکان برگزاری نماز میت (یزدی، ۱۴۳۱ق، ۳۲۵/۱).
  - ۱۳- رعایت موالات بین تکبیرها و دعاهای نماز میت به گونه‌ای که شکل نماز از بین نرود.
  - ۱۴- استقرار نمازگزار: یعنی نمازگزار در حرکت و مضطرب (ناآرام) نباشد.
  - ۱۵- نماز پس از غسل دادن و کفن کردن و حنوط میت خوانده شود.
  - ۱۶- هنگام نماز خواندن بر میت، عورت وی گرچه با سنگ یا خشت پوشیده باشد (یزدی، ۱۴۳۱ق، ۳۲۵/۱).
  - ۱۷- نمازگزار باید مؤمن باشد (یزدی، ۱۴۳۱ق، ۳۱۷/۱).
  - ۱۸- نماز پیش از دفن میت اقامه شود (یزدی، ۱۴۳۱ق، ۳۲۷/۱).
  - ۱۹- اذن ولی میت برای برگزاری نماز بر وی (اشتهاردی، ۱۴۱۷ق، ۱۴۲/۸-۱۵۸).
  - ۲۰- جنازه میت باید در هنگام نماز حاضر باشد؛ لذا صحیح نیست که برای میت غایب -گرچه جنازه وی در شهر حاضر باشد- نماز میت خوانده شود. مذاهب فقهی درباره این شرط اختلاف نظر دارند و دیدگاه‌های متفاوتی درباره نماز میت غایب بیان کرده‌اند.  
۲،۳. شرایط نماز میت از دیدگاه مذاهب فقهی اهل سنت
- از نگاه مذاهب فقهی اهل سنت، نماز میت، همانند دیگر نمازها باید شرایطی، همچون طهارت حقیقی بدن، لباس و مکان و ستر عورت، رو به قبله بودن و نیت را دارا باشد، علاوه بر موارد مزبور حنفیه موارد دیگری را نیز شرط دانسته‌اند، از جمله:
- ۱- میت مسلمان باشد.
  - ۲- بدن و کفن میت از نجاست حکمی و حقیقی طاهر باشد.
  - ۳- میت در جلو نمازگزاران قرار داشته باشد.

- ۴- میت یا بیشتر بدن وی یا نصف بدن میت همراه با سر وی حاضر باشد.
- ۵- میت روی زمین یا جلو و نزدیک نمازگزاران قرار داشته باشد.
- ۶- عورت میت پوشیده باشد.
- ۷- امام جماعت بالغ باشد.
- ۸- در فرضی که میت یک نفر است، امام جماعت باید موازی جزئی از اجزاء میت باشد؛ اما اگر اموات متعدد باشند، امام جماعت آنها را در یک صف قرار داده و نزد میتی که افضل از بقیه اموات است می ایستد (ابن عابدین، ۱۴۱۵ق، ۲/۲۲۶، شحود، ۱۴۲۸ق، ۵/۲۲۵). لازم به ذکر است که ابن عابدین موازی بودن امام جماعت با اموات متعدد را شرط دانسته است (ابن عابدین، ۱۴۱۵ق، ۲/۲۲۶).
- با توجه به شرط لزوم حضور جنازه میت در جلو امام، از نگاه حنابله لازم نیست که میت مقابل امام جماعت باشد به گونه‌ای که سمت راست یا چپ امام از میت منحرف نشود، با این حال قرار نداشتن میت در جلو امام به گونه مزبور کراهت دارد (بهوتی، ۱۴۱۸ق، ۲/۱۲۹). برخی از فقها گفته‌اند: انحراف امام جماعت به سمت راست یا چپ میت نباید زیاد باشد (عوایشه، ۱۴۲۳ق، ۲/۵۴۹۷)؛ لذا اگر انحراف امام به سمت چپ یا راست جنازه به گونه‌ای باشد که جنازه از دید امام پنهان شود، یا جنازه در مکانی مرتفع یا چاهی قرار داده شده باشد، صحیح نخواهد بود (سیوطی رحیبانی، ۱۹۶۱م، ۱/۸۷۹).
- حنابله همانند حنفیه، مسلمان بودن، طهارت، ستر عورت میت و حضور وی را در جلو نمازگزاران شرط دانسته‌اند. همچنین بر این باورند که نمازگزار باید مکلف باشد و از نجاست اجتناب کند و رو به قبله بوده و عورت وی پوشیده باشد و برای نماز نیت کند (سیوطی رحیبانی، ۱۹۶۱م، ۲/۵۴۹۷).

#### ۴. نماز بر میت غایب از نگاه فقه امامیه

امامیه همانند مالکیه و حنفیه بر این باورند که نماز بر میت غایب به هیچ وجه صحیح نیست (مغنیه، ۱۴۲۱ق، ۱/۵۹) و بدعت می‌باشد (کاشف الغطاء، ۱۳۸۸ق، ۲/۲۴۴). علامه حلی گفته است: در

نظر همه علمای ما حضور میت شرط می باشد؛ لذا نماز بر میت غایب جایز نیست (علامه حلی، بی تا، ۴۵/۱).

امامیه درباره نماز میت بر این باورند که: جنازه باید جلو نمازگزار بوده، نمازگزار موازی آن باشد و بین جنازه و نمازگزار فاصله فاحش نباشد (کاشف الغطاء، بی تا، ۷۸)؛ لذا نماز بر میت غایب را صحیح نمی‌دانند. همچنین از نگاه ایشان نماز بر مرده ای که بین او و نمازگزار حائل وجود دارد، صحیح نیست. با این حال اگر جنازه در تابوت یا مانند آن مثل پارچه یا پوشش قرار داشته باشد نماز بر وی اشکالی ندارد (کاشف الغطاء، بی تا، ۷۸). همچنین از نگاه امامیه، حضور جنازه شرط می‌باشد (علامه حلی، بی تا، ۴۵/۱).

#### ۱.۴. عدم جواز نماز بر میت غایب و دلایل آن

از نگاه فقهای امامیه نماز بر میت غایب جایز نیست، خواه آن میت در شهری غیر از شهر نمازگزار باشد، خواه در شهر نمازگزار، غایب باشد (علوی گرگانی، ۱۳۹۵ق، ۴۶۶/۱۲). دلایل چندی بر عدم جواز نماز بر میت غایب دلالت دارند، که در ادامه مورد اشاره و بررسی قرار می‌گیرند:

۱) با توجه به جمله «اللهم هذا المسجی قدامنا» (کلینی، ۱۴۲۷ق، ۴۷۳/۵)، جنازه میت باید حاضر و جلو امام باشد (خویی، ۱۴۱۸ق، ۹/۲۵۵). بدیهی است که در نماز میت غایب، شرط حضور جنازه وجود ندارد، از سوی دیگر با توجه به شرط رو به قبله بودن نمازگزار، در بسیاری از موارد، در نماز میت غایب این شرط رعایت نمی‌شود.

۲) اگر چنین نمازی توسط پیامبر(ص) و اصحاب ایشان وقوع خارجی یافته بود، مشهور و متواتر می‌شد (مغنیه، ۱۴۲۱ق، ۱/۵۹ و ۶۰؛ علامه حلی، بی تا، ۱/۴۵). چنان‌که خواهیم دید، ماجرای نماز پیامبر(ص) بر نجاشی که قاتلان جواز نماز بر میت غایب به آن استناد نموده اند، را پاسخ گفته‌اند.

۳) لزوم رو به قبله بودن میت (مغنیه، ۱۴۲۱ق، ۱/۶۰؛ علامه حلی، بی تا، ۱/۴۵): با توجه به این دلیل نماز بر نجاشی فاقد چنین شرطی است؛ زیرا در هنگامی که نجاشی در حبشه وفات یافت،

پیامبر(ص) در مدینه بودند. از سویی به طور قطع حبشه در جهت مکه قرار ندارد (اشتهاردی، ۱۴۱۷ق، ۸ / ۱۴۸)، و پیامبر(ص) برای نجاشی دعا یا طلب مغفرت کرده‌اند (سیوری حلی، بی تا، ۱ / ۱۸۰) و نماز نخوانده‌اند و بر فرض این که کار پیامبر(ص) نماز بر نجاشی باشد، آن را به گونه‌ای دیگر توجیه می‌کنند.

۴) شرط بودن حضور نمازگزار بر جنازه میت در هنگام نماز میت (مغنیه، ۱۴۲۱ق، ۱ / ۶۰): با توجه به این دلیل، نماز بر میت غایب فاقد چنین شرطی می‌باشد، از این رو چنین نمازی صحیح نیست. ۵) اگر نماز مزبور جایز می‌بود، باید در شهرهای گوناگون برای پیامبر(ص) و شخصیت‌های برجسته و صالح نیز اقامه می‌شد؛ در ای صورت اگر بر ایشان نماز غایب خوانده شده بود، مشروعیت آن مشهور و متواتر می‌شد (علامه حلی، بی تا، ۱ / ۴۵).

۶) پیامبر(ص) با قول و فعل خویش چنین نمازی را بیان فرموده‌اند (حلی سیوری، ۱۳۶۱ش، ۱۱۸).

۷) اجماع بر عدم جواز چنین نمازی (عاملی، ۱۴۱۹ق، ۴ / ۱۱۱).

۸) توجیه نماز پیامبر(ص) بر نجاشی: مهم‌ترین دلیل مذاهب فقهی اهل سنت که به جواز نماز بر میت غایب باور دارند، آن است که پیامبر(ص) بر نجاشی نماز خوانده‌اند؛ زیرا مسلم روایت کرده که در هنگام وفات نجاشی پیامبر(ص) فرمودند: «إِنَّ أَخَا لَكُمْ قَدْ مَاتَ فقوموا فصلوا علیه». همانا برادری از شما وفات یافته برخیزید و بر او نماز بخوانید، پس از فرموده پیامبر(ص) ما برخاستیم و دو صف بستیم (مسلم نیشابوری، بی تا، ۲ / ۵۵).

در منابع شیعی نیز حدیثی شبیه این حدیث ذکر شده که در آن آمده است: «وَفِي أَصْحَمَةَ رَجُلٌ

صَالِحٌ مِنَ الْحَبَشَةِ فقوموا فصلوا علیه فصلی علیه فَكَانَ كَذَلِكَ» (راوندی، ۱۴۰۹ق، ۱ / ۶۵).

در حدیث دیگری امام رضا(ع) فرموده‌اند: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) لَمَّا أَتَاهُ جَبْرِئِيلُ بِنَعْيِ النَّجَاشِيِّ

بَكَى بُكَاءَ حَزِينٍ عَلَيْهِ وَقَالَ إِنَّ أَخَاكُمْ أَصْحَمَةَ وَهُوَ اسْمُ النَّجَاشِيِّ مَاتَ ثُمَّ خَرَجَ إِلَى الْجَبَانَةِ وَصَلَّى عَلَيْهِ وَكَبَّرَ سَبْعًا فَخَفَّضَ اللَّهُ لَهُ كُلَّ مَرْتَفَعٍ حَتَّى رَأَى جِنَازَتَهُ وَهُوَ بِالْحَبَشَةِ» (ابن بابویه قمی،



۱۳۶۲ ش، ۲/۳۶۰). هنگامی که جبرئیل جنازه نجاشی را آورد، پیامبر(ص) گریه غمناکی نمودند و فرمودند: برادران «أصحمه» (نجاشی) وفات یافته است آن‌گاه به جبانۀ (مکانی در خارج شهر) بیرون رفت و بر او نماز خواند و هفت تکبیر گفت و خداوند همه بلندی‌های زمین را برای پیامبر(ص) پست و هموار فرمود تا جنازه نجاشی را که در حبشه بود به چشم دید.

مجلسی از روایت مزبور به‌عنوان حسن‌کالصحیح تعبیر نموده و گفته با این حال روایت مزبور موقوف یا مضمّر است، آن‌گاه اشاره نموده که درباره این روایت دو اشکال وجود دارد که عبارتند از: نخست این‌که: با وجود آن‌که پس از دفن میت نماز خواندن بر وی ممنوع است، تصریح مشهور بر این‌که پیامبر(ص) پیش از دفن نجاشی بر نجاشی نماز خوانده چه توجیهی دارد؟ دوم این‌که: مشهور و روایات تصریح نموده‌اند که پیامبر(ص) همانند دیگر اموات بر نجاشی نماز خوانده، به این صورت که جبرئیل جنازه نجاشی را برای پیامبر(ص) حاضر نموده، آن‌گاه پیامبر(ص) بر وی نماز خوانده است. در پاسخ اشکال نخست گفته اند: (۱) - ممکن است نماز پیامبر(ص) بر نجاشی پس از دفن وی بوده است. (۲) - راوی گمان کرده که نماز بر قبر میت از این روی جایز نیست که پس از دفن میت، جنازه وی مشاهده نمی‌شود، از همین روی از نماز پیامبر(ص) بر نجاشی پرسش کرده و نمی‌دانسته که جنازه نجاشی برای پیامبر(ص) حاضر شده است. (۳) - هدف راوی از پرسش درباره نماز پیامبر(ص) بر نجاشی، نماز صحابه بر نجاشی بوده است؛ زیرا بر خلاف پیامبر(ص) صحابه در هنگام نماز، نجاشی را مشاهده نمی‌کردند (مجلسی، ۱۴۰۶ ق، ۵/۳۷۲).  
روایت مزبور از جهات چندی قابل نقد می‌باشد، از جمله:

(۱) با روایت دیگری معارض است که محمد بن مسلم یا زراره در آن از امام باقر(ع) نقل کرده‌اند که حضرت فرموده‌اند: «صلاة پس از دفن میت دعا می‌باشد». از آن حضرت پرسش شده «پس پیامبر(ص) بر نجاشی نماز نخوانده‌اند؟ حضرت فرموده‌اند: «خیر، پیامبر(ص) برای نجاشی دعا کرده

اند» (طوسی شیخ، ۱۳۶۵ش، ۱/۴۸۳). تناقض مزبور در فرضی متصور است که منظور از صلات بر نجاشی نماز باشد، نه دعا.

۲) با وجود تعبیر مجلسی از روایت مزبور به عنوان «حسن کالصحیح» (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۵/۳۷۲). این روایت به دلیل وجود محمد بن قاسم استرآبادی و یوسف بن محمد در سلسله سند آن، ضعیف می باشد؛ زیرا ابن غضائری محمد بن قاسم استرآبادی را فردی کذاب و دروغگو و یوسف بن محمد بن زیاد را فردی مجهول دانسته است (ابن غضائری، بی تا، ۹۸).

۳) روایت مزبور اعجاز پیامبر(ص) را در هنگام وفات نجاشی نشان می دهد؛ زیرا خداوند همه بلندی های زمین را برای پیامبر(ص) پست و هموار فرمود تا جنازه نجاشی را که در حبشه بود به چشم خویش دید (شوشتری، ۱۴۰۶ق، ۱/۴۰۰).

۴) بر فرض صحت سند روایت مزبور، روایت یاد شده تصریح دارد بر این که پیامبر(ص) در نماز نجاشی هفت بار تکبیر گفته اند، حال آن که هفت بار تکبیر برای میت جایز نیست، بلکه برای میت مؤمن پنج بار و برای میت منافق چهار بار تکبیر باید گفته شود (شوشتری، ۱۴۰۶ق، ۱/۴۰۰).

۵) پیامبر(ص) بر نجاشی نماز نخوانده اند، بلکه برای ایشان دعا یا طلب مغفرت فرموده اند (طوسی شیخ، ۱۳۶۵ش، ۱/۴۸۳).

۶) ممکن است نماز بر نجاشی به عنوان «میت غایب»، به نجاشی محدود بوده و پیامبر(ص) به اعجاز جنازه نجاشی را دیده و بر او نماز خوانده اند، از این رو قابل تسری به دیگر اموات غایب نیست. همان گونه که گذشت این پاسخ نیز در پاره ای از روایات، از جمله روایت شیخ صدوق به نقل از امام رضا(ع) (ابن بابویه قمی، ۱۳۶۲ش، ۲/۳۶۰) مورد تصریح قرار گرفته است.

۵. نماز بر میت غایب از نگاه فقه اهل سنت

۱،۵. دیدگاه حنفیه درباره نماز بر میت غایب:

حنفیه به دلایل چندی به عدم جواز نماز بر میت غایب باور دارند، که در ادامه مورد اشاره و

بررسی قرار می گیرند:

(۱) شرط بودن حضور جنازه در جلو نمازگزار.

(۲) رعایت شرط رو به قبله بودن میت (ابن عابدین، ۱۴۱۵ق، ۲/۲۲۶). حصفکی گفته است: از جمله شرایط نماز جنازه آن است که جنازه یا جنازه‌ها در جلوی نمازگزار حاضر و قرار داشته باشند و در جهت قبله باشند، از این رو نماز بر میت غایب صحیح نیست (حصفکی، ۱۴۱۵ق، ۲/۲۲۶).

(۳) توجیه نماز پیامبر(ص) بر نجاشی: از نگاه حنفیه نماز پیامبر(ص) بر نجاشی به دو شیوه توجیه می‌شود، که عبارتند از: الف) جنازه نجاشی برای پیامبر(ص) حاضر شده و پیامبر(ص) بر جنازه حاضر نماز خوانده‌اند، با این حال عدم حضور جنازه نجاشی برای اقتدا کنندگان به پیامبر(ص)، مشکلی برای صحت نماز مزبور ایجاد نمی‌کند. ب) نماز به شکل مزبور به نجاشی اختصاص دارد و محدود است (ابن عابدین، ۱۴۱۵ق، ۲/۲۲۶)؛ لذا نمی‌توان آن را به دیگر اموات غایب تسری داد.

۲.۵. دیدگاه مالکیه درباره نماز بر میت غایب

مالکیه در خصوص عدم جواز نماز بر میت غایب باحنفیه هم عقیده هستند (عوایشه، ۱۴۲۳ق، ۲/۵۴۹۷ و سرخسی، ۱۴۰۶ق، ۱/۱۸۵). برخی از مالکیه نماز بر میت غایب را حرام و برخی از ایشان آن را مکروه دانسته‌اند (عفانه، ۱۴۱۷ق، ۳۲). دلایل مالکیه بر ممنوع بودن نماز بر میت غایب عبارتند از:

(۱) نماز پیامبر(ص) بر نجاشی به دلیل حضور جنازه نجاشی برای پیامبر(ص) نماز بر میت حاضر بوده است، گرچه مسلمانانی که مأموم پیامبر(ص) در آن نماز بودند، نجاشی را ندیدند.

(۲) نماز پیامبر(ص) بر نجاشی به نجاشی محدود است و قابل تسری به موارد مشابه نیست.

(۳) با وجود آن که مسلمانان بیشترین رغبت را برای نماز بر جنازه غایب پیامبر(ص) داشتند؛ اما پس از مدفون شدن پیامبر(ص) هیچ‌یک از مسلمانان بر آن حضرت نماز نخوانده‌اند (شنقیطی، ۱۴۳۶ق، ۳/۱۹۳).

۳.۵. دیدگاه حنابله درباره نماز بر میت غایب:

حنابله برخلاف حنفیه و مالکیه (عوایشه، ۱۴۲۳ق، ۲/ ۵۴۹۷ و سرخسی، ۱۴۰۶ق، ۱/ ۱۸۵)

حضور جنازه را شرط ندانسته و از همین رو نماز بر میت غایب را با نیت و به مدت یک ماه در موارد زیر صحیح دانسته‌اند:

۱- بین جنازه و نمازگزاران کمتر از مسافت قصر نماز نیست. ۲- میت در جهت قبله نیست. ۳-

میت غرق شده است. ۴- اسیر و مانند آنها (شحود، ۱۴۲۸ق، ۵/ ۲۱۵). برخی از حنابله مسافت قصر بین میت و نمازگزاران را در نماز میت شرط ندانسته‌اند (ابن قدامه، ۱۳۸۸ق، ۲/ ۳۸۲).

با توجه به آنچه گذشت منظور از شرط «حضور میت در جلو نمازگزار» آن است که در حال

اقامه نماز میت، میت حمل نشود و نیز پیش از دفن میت، نماز از پشت موانع، همچون دیوار اقامه نگردد، همچنین در حال خواندن نماز، میت در تابوت سرپوشیده نباشد (شحود، ۱۴۲۸ق، ۵/ ۲۱۵).

ابن تیمیه درباره نماز بر میت غایب گفته است: در این باره علما دو قول مشهور دارند: اول)

جواز نماز بر میت غایب: شافعی و احمد بن حنبل در مشهورترین روایات منقول از او، بیشتر حنابله به این دیدگاه باور دارند. دوم) عدم جواز نماز بر میت غایب: ابوحنیفه، مالک، احمد بن حنبل در روایت دیگری و ابن ابو موسی به این دیدگاه باور دارند. رجحان جواز نماز بر میت غایب، در مذهب احمد بن حنبل نقل شده است (شحود، ۱۴۲۷ق، ۵/ ۲۳۲).

برخی از فقهای معاصر حنبلی نماز بر میت غایب را در صورتی مشروع دانسته‌اند که ولی امر

مسلمانان به آن امر کند، ایشان این شرط را از امر پیامبر(ص) به مسلمانان برای نماز بر نجاشی نتیجه گرفته‌اند، با این حال آنها نماز میت غایبی را برای مردگان خاصی، همچون امام عادل، علما، صلحا و افرادی که در سرزمین کفر وفات یافته‌اند و کسی بر آنها نماز نخوانده است، مجاز می‌دانند (شنقیطی، بی تا، ۲۷/۷۸).

براساس آنچه گذشت، می‌توان گفت که: عمده دلیل حنابله بر جواز نماز میت غایب، نمازی

است که پیامبر(ص) بر نجاشی خوانده‌اند، از این گذشته مسلمانان را نیز امر فرموده‌اند که بر نجاشی نماز بخوانند، از نماز پیامبر(ص) بر نجاشی و دستور ایشان به اقامه آن نماز بر می‌آید که فضیلت

نجاشی و فوت ایشان در بلاد کفر باعث شده که پیامبر(ص) بر ایشان نماز بخوانند لذا خواندن نماز بر هر میت غیابی جایز نیست، با این حال ایشان در دو فرض نماز بر میت غایب را جایز دانسته‌اند که عبارتند از: (۱) - نماز میت بر مسلمانان خاص. (۲) - نماز بر میت غایب در فرضی که حاکم اسلامی به آن دستور دهد.

#### ۴،۵. دیدگاه شافعیه درباره نماز بر میت غایب

شافعیه همانند حنابله حضور میت در هنگام نماز را شرط ندانسته و از همین رو نماز بر میت غایب را جایز می‌دانند؛ حتی از امام شافعی در باره نماز بر میت غایب و بر قبر میت پرسش شده وی گفته است: آن را مستحب می‌دانم (شافعی، ۱۴۰۲، ۲۲۲/۷).

شافعیه و مالکیه بر خلاف حنفیه، قرار داشتن میت بر روی زمین را شرط ندانسته‌اند، از همین روی نماز بر مرده‌ای که بر پشت حیوان یا روی دست یا دوش مردم حمل می‌شود را جایز شمرده‌اند (شعود، ۱۴۲۸ق، ۲۱۵/۵).

#### دلایل شافعیه درباره جواز نماز بر میت غایب عبارتند از:

۱- «وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ» (آل عمران / ۱۹۸). جابر بن عبد الله و انس [بن مالک] و ابن عباس و قتاده معتقدند که این آیه درباره نجاشی نازل شده و زمانی که نجاشی درگذشت، جبرئیل همان روز خیرش را به پیغمبر(ص) رسانید و رسول الله(ص) به یاران فرمود: بیایید به برادری از شما که در سرزمین دیگر مرده است نماز بگذاریم. پرسیدند او کیست؟ فرمود: نجاشی. پس پیغمبر(ص) به گورستان بقیع رفت و از مدینه سرزمین حبشه بر او نمایان گردید و جنازه نجاشی را مشاهده فرمود و چهار تکبیر بر کشید و برای نجاشی طلب آمرزش نمود. منافقین گفتند: این را ببینید که بر یک کافر حبشی نصرانی که هرگز او را ندیده و هم‌کیش نیستند نماز

می‌خواند. آیه در جواب آنان نازل شد (واحدی نیشابوری، ۱۳۸۳ ش، ۷۷). شافعی از این آیه جواز نماز بر میت غایب را نتیجه گرفته است (سیوری حلی، بی تا، ۱ / ۱۸۱). از سویی به موجب روایتی هنگامی که نجاشی در حبشه وفات یافت، پیامبر (ص) به خاطر اسلام حقیقی نجاشی بر وی نماز خوانده‌اند (ابی داود، بی تا، ۲ / ۱۸۹).

در توجیه برداشت مزبور گفته شده که آیه «لتجدن اشد الناس عداوة للذين آمنوا اليهود و الذين اشركوا و لتجدن اقربهم مودة للذين آمنوا، الذين قالوا انا نصارى» (مائدة / ۸۲). هر آینه دشمن ترین مردم را نسبت به مسلمانان، یهود و مشرکان خواهی یافت و با محبت ترین مردم نسبت به مسلمانان آنان هستند که گویند ما نصرانی هستیم؛ درباره نجاشی و اصحاب وی نازل شده است. از سویی بر اساس شأن نزولی منافقان به نماز خواندن پیامبر (ص) بر نجاشی ایراد گرفتند و به پیامبر (ص) گفتند آیا بر مرد نصرانی کافر نماز می‌خوانی؟ در نتیجه آیه «و ان من اهل الكتاب لمن يؤمن بالله و ما انزل اليكم و ما انزل اليهم خاشعين لله لا يشترون بايات الله ثنا قليلا اولئك لهم اجرهم عند ربهم ان الله سريع الحساب» (آل عمران / ۱۹۹) و همانا از اهل کتاب کسانی هستند که به خدا و آنچه بر شما نازل شده و آنچه بر خودشان نازل شده، ایمان آورده‌اند، در حالی که در برابر خدا فروتن هستند و آیات خدا را به بهای اندکی نمی‌فروشند. اینان پاداششان نزد پروردگارشان است همانا خداوند زود حساب کننده است»، نازل شد.

در رد این دلیل می‌توان گفت که گرچه شأن نزول آیه مزبور درباره نماز پیامبر (ص) بر نجاشی است، نماز آن حضرت بر نجاشی با اشکالی، همچون تفسیر آن به دعا و استغفار برای نجاشی، حضور جنازه نجاشی و تحقق نماز بر میت حاضر و مانند آن دلیل شرعیت نماز بر میت غایب نیست.

۲- قیاس نماز خواندن بر قبر مردگانی که پیش از دفن بر ایشان نماز خوانده نشده با مردگانی که در اصل غایب هستند. بر اساس این دلیل گفته شده که هرگاه مرده‌ای بر او نماز خوانده نشده بود، پیامبر (ص) بر قبر وی نماز میت می‌خواندند، از سویی میت مدفون در قبر، غایب

است، در هنگامی که میت در اصل غایب باشد نیز باید نماز بر وی جایز باشد (نوی، بی تا، ۲۴۷/۵-۲۴۹).

در نقد این دلیل باید گفت که تعریف «میت غایب» بر میت مدفون در قبر صادق نیست؛ زیرا در نماز بر قبر میت حضور بر قبر میت ضروری است. از سوی دیگر استفاده از قیاس مستنبط العلة برای حکم شرعی جایز نیست.

۳- روایات درباره نماز پیامبر(ص) بر نجاشی: روایات زیادی از طرق اصحاب مختلف پیامبر(ص)، همچون جابر بن عبد الله، ابوهریره، عمران بن حصین، حذیفه بن اسید، عبد الله بن عباس، عبد الله بن عمر و غیره نقل شده که در آن‌ها به نماز خواندن پیامبر(ص) بر نجاشی تصریح شده است، از جمله آن روایات می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

(۱) بخاری به سند خود از عطاء و او از جابر بن عبد الله نقل کرده که پیامبر(ص) بر نجاشی نماز خواند در حالی که من در صف دوم یا سوم بودم (بخاری، ۱۴۰۱، ق، ۲ / ۸۸).

(۲) روایت دیگری از بخاری به همان سند که در آن آمده: پیامبر(ص) فرمود: «امروز مرد صالحی از حبشه وفات یافته است، پس بشتابید و بر او نماز بخوانید «فصلوا علیه». جابر گفت: بنابراین ما صف بستیم و پیامبر(ص) در حالی که ما در صف بودیم بر نجاشی نماز خواند (بخاری، ۱۴۰۱، ق، ۲ / ۸۸).

(۳) روایت دیگری از بخاری به نقل از ابوهریره که در آن آمده است: پیامبر(ص) از مرگ نجاشی خبر داد، آن‌گاه جلو ایستاد و مسلمانان در پشت سر ایشان صف بستند؛ پیامبر(ص) چهار بار تکبیر گفتند (بخاری، ۱۴۰۱، ق، ۲ / ۸۸).

(۴) روایت دیگری از بخاری به نقل از ابوهریره که در آن آمده است: «رسول خدا(ص) خبر مرگ نجاشی را به ما داد و فرمود: امروز صاحب حبشه وفات یافت، برای برادران طلب آموزش کنید» (بخاری، ۱۴۰۱، ق، ۲ / ۹۰).

این روایت به نماز بر نجاشی تصریح ندارد، بلکه همان‌گونه که گذشت پیامبر(ص) در آن به طلب مغفرت برای نجاشی توصیه فرموده‌اند؛ لذا با روایات شیعه که در آنها صلوة به معنای دعا و استغفار تفسیر شده است (طوسی شیخ، ۱۳۶۵ش، ۱ / ۴۸۳)، همخوانی دارد.

۴) روایت دیگری از بخاری به نقل از ابوهریره که در آن آمده است: «پیامبر(ص) در مصلی مسلمانان را به صف نمود و چهار بار برای نجاشی تکبیر گفت» (بخاری، ۱۴۰۱ق، ۲ / ۹۰).

۶) روایت مسلم از عبد الله بن زبیر به نقل از جابر بن عبد الله که در آن آمده است: «رسول خدا(ص) فرمود: برادری از شما وفات یافته است، پس برخیزید و بر او نماز بخوانید؛ پس ما برخاستیم و دو صف بستیم» (مسلم، بی تا، ۳ / ۵۵).

۷) روایت عمران بن حصین که در آن آمده است: «پیامبر(ص) فرمود: برادر شما نجاشی وفات یافته است، پس برخیزید و بر او نماز بخوانید. ما برخاستیم و همان‌گونه که برای میت صف بسته می‌شود، صف بستیم و بر او نماز خواندیم، همان‌گونه که بر میت نماز خوانده می‌شود» (نسائی، ۱۴۱۱ق، ۱ / ۶۴۱). روایات دیگری به همین مضامین در منابع حدیثی و غیر حدیثی اهل سنت نقل شده (ابن ماجه، بی تا، ۱ / ۴۹۱؛ ترمذی، بی تا، ۲ / ۲۵۳؛ نسائی، ۱۴۱۱ق، ۴ / ۵۷؛ ابی داود طیالسی، ۱۴۱۹ق، ۳۰۳؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق، ۲ / ۱۵۷) که در آن‌ها به نماز یا تکبیر پیامبر(ص) درباره نجاشی تصریح شده است.

کتب تاریخی به صلوة پیامبر(ص) بر نجاشی تصریح نموده‌اند (ابن خثیمه، ۱۴۲۷ق، ۲ / ۳۶؛ ابونعیم اصفهانی، ۱۹۳۴م، ۱ / ۱۰۴) همچنین بشار عداد معروف گفته است: «در رجب سال نهم هجری رسول خدا(ص) در مسیر حرکت به سوی تبوک بر اصحمة (نام نجاشی) نماز خواندند» (ذهبی، ۲۰۰۳م، ۱ / ۴۱۹).

در نقد دلیل روایات باید گفت که نماز پیامبر(ص) بر نجاشی با توجه به توجیهاات زیر موجه به نظر نمی‌رسد، هر چند که برخی از آن توجیهاات توسط فقهای اهل سنت بیان شده‌اند، با این حال مجموع آنها به خوبی می‌توانند موجب خدشه در دلیل روایات باشند:



اول — نماز پیامبر(ص) بر نجاشی از موارد خاص می‌باشد و نمی‌توان از آن جواز نماز بر میت غایب را برای عموم مردم نتیجه گرفت. با توجه به این توجیه پیامبر(ص) بر مرده‌ی غایبی جز نجاشی نماز نخوانده‌اند، از سویی در عصر پیامبر(ص) افراد زیادی از اصحاب ایشان در غیبت وفات یافتند؛ اما آن حضرت بر ایشان نماز نخواند، همچنین مسلمانان مکه، طائف، یمن و جز آنها نماز بر میت غایب نخوانده‌اند، در شهرهای دورتر نیز مسلمانان بر ابوبکر و عمر و غیر آن دو نماز نخوانده‌اند (ابن تیمیه، ۱۴۳۲ق، ۱/۱۷۶؛ شحود، ۱۴۲۷ق، ۵/۲۳۱).

دوم — پیامبر(ص) از آن روی بر نجاشی نماز خوانده‌اند که وی در سرزمینی وفات یافته بود که در آن مسلمانی یافت نمی‌شد، از این رو نماز پیامبر(ص) بر نجاشی در عوض نمازی است که مسلمانان در حال حضور میت بر آن میت می‌خوانند (شنقیطی، ۱۴۳۶ق، ۳/۱۹۳). نجاشی در بین قوم کافر نصاری وفات یافته؛ لذا هیچ‌کس بر وی نماز نخوانده است، از همین رو نماز غایب بر نجاشی جایز است (ابن تیمیه، ۱۴۳۲ق، ۱/۱۷۶؛ شحود، ۱۴۲۷ق، ۵/۲۳۱).

سوم — به دلیل فضیلت و امتیاز نجاشی و نیز به دلیل آن که مرگ وی بلای بزرگی برای اسلام محسوب می‌شده، پیامبر(ص) بر وی نماز غایب خوانده‌اند، لذا نماز بر نجاشی به دیگر اشخاص تسری نمی‌یابد؛ زیرا نجاشی سرزمین خودش را وقف مسلمانانی کرد که در حبشه بودند. گرچه برخی، نجاشی را صحابه پیامبر(ص) ندانسته‌اند؛ اما بر اساس تعریفی از صحابه که مشاهده پیامبر(ص) را شرط تحقق صحابه نمی‌داند، نجاشی از صحابه پیامبر(ص) محسوب می‌شود؛ زیرا وی در زمان حیات پیامبر(ص) به ایشان ایمان آورده‌اند (شنقیطی، ۱۴۳۶ق، ۳/۱۹۳).

برخی از فقهای اهل سنت بر این باورند که اگر نجاشی به معنای کسی باشد که وفات وی بلای عظیم بر اسلام است، در این صورت دیگر افرادی که وفات ایشان بلای عظیم برای اسلام می‌باشد، نماز خواندن بر ایشان صحیح است، عالمان، والیان، مجاهدان و... از جمله این گونه افراد هستند (شنقیطی، ۱۴۳۶ق، ۶/۸۴).

چهارم — صحابه پیامبر(ص) بر نجاشی از آن روی نماز غایب خوانده‌اند که پیامبر(ص) ایشان را به آن امر فرموده است؛ لذا اگر ولی امر مسلمانان به ایشان دستور دهد که بر مرده غایبی نماز بخوانند، خواندن نماز میت غایب بر آن مرده مشروع خواهد بود و اگر ولی امر مسلمانان از ایشان بخواهد که بر مرده غایبی نماز نخوانند، نماز بر آن مرده صحیح نخواهد بود ( شستنیطی ، ۱۴۳۶ق ، ۸۴/۶).

پنجم - روح نجاشی برای پیامبر(ص) حاضر شده به گونه‌ای که پیامبر(ص) آن را مشاهده نموده و بر او نماز خوانده‌اند (نمری قرطبی، بی تا، ۳۲۸/۶).

ششم — جنازه نجاشی برای پیامبر(ص) حاضر شده و آن حضرت همانند مشاهده بیت المقدس آن را مشاهده فرموده‌اند و قریش از پیامبر(ص) ویژگی آن جنازه را پرسش کرده‌اند. این امر در باره جعفر طیار نیز رخ داده؛ زیرا در هنگام وفات جعفر، جبرئیل بر پیامبر(ص) وارد شده و روح یا جنازه جعفر را برای آن حضرت حاضر کرده و به ایشان گفته: برخیز و بر وی نماز بخوان (نمری قرطبی، بی تا، ۳۲۸/۶). در برخی روایات آمده که بلندی‌های زمین برای پیامبر(ص) هموار شده به گونه‌ای که نجاشی را مشاهده فرموده‌اند. نووی خبر مزبور را تخیلی دانسته است (آلبانی اشقودری، ۱۴۰۶ق، ۹۲/۱؛ نووی، بی تا، ۲۵۲/۵).

هفتم - پیامبر(ص) بر نجاشی نماز نخوانده بلکه برای وی دعا فرموده است، چنان‌که در روایتی آمده پیامبر(ص) پس از حاضر شدن جنازه نجاشی به صحابه فرموده اند که: «استغفروا لأخیکم» (بخاری، ۱۴۰۱ق، ۴/۲۴۶؛ ابن امام، ۱۴۱۴ق، ۱/۱۴۹) برای برادران طلب آمرزش کنید.

۴- نماز پیامبر(ص) بر افرادی جز نجاشی: بر اساس این دلیل، نماز غایب پیامبر(ص) به نماز ایشان بر نجاشی محدود نمی‌شود؛ زیرا بر اساس روایات زیادی، شخصیت‌هایی از صحابه که در مکان‌های دور از رسول خدا (ص) وفات یافته بودند، پیامبر(ص) بر ایشان نماز خوانده‌اند، در حالی که پیامبر(ص) در هنگام وفات یا دفن آن صحابه حضور نداشته‌اند؛ از جمله آن صحابه عبارتند از: (۱) - معاویه بن معاویه لیبی یا مزنی؛ (۲) - زید بن حارثه؛

(۳) - جعفر بن ابی طالب. درباره نماز غیابی بر افراد مزبور روایاتی وارد شده است. برخی از آن روایات به طریق صحیح یا حسن از پیامبر(ص) ثابت شده‌اند و برخی از آنها از طریق ضعیف نقل شده‌اند، لذا قابل استناد نیستند (عقانه، ۱۴۱۷ق، ۱/ ۹).

در نقد این دلیل باید گفت که گذشته از ضعف این روایات، نماز پیامبر(ص) بر نجاشی، به نجاشی محدود است و قابل تسری به دیگر موارد نیست، از سویی ممکن است پیامبر(ص) بر افراد مذکور دعا کرده باشند، یا آن‌که همانند نجاشی جنازه ایشان برای پیامبر(ص) حاضر شده و پیامبر(ص) بر میت حاضر نماز خوانده‌اند، لذا دیگر مسلمانان مجاز نیستند که بر میت غایب نماز بخوانند.

#### ۵.۵. تقسیم بندی دیگر فقه اهل سنت درباره نماز بر میت غایب

بر اساس یک تقسیم‌بندی درباره جواز و عدم جواز نماز بر میت غایب، دیدگاه‌های زیر در بین مذاهب فقهی اهل سنت به چشم می‌خورند که عبارتند از:

(۱) جواز خواندن نماز بر میت غایب مطلقاً: شافعی در یکی از دو قولش (نووی، بی‌تا، ۲۱۱/۵) و حنابله (ابن قدامه، ۱۳۸۸ق، ۲/۳۸۲) به این دیدگاه گرایش دارند. ابن حزم در این باره ادعای اجماع نموده و گفته است: «این اجماعی است که تعدی از آن جایز نیست» (ابن حزم، بی‌تا، ۱۶۹/۵).

(۲) عدم جواز خواندن نماز بر میت غایب: حنفیه و مالکیه به این دیدگاه گرایش دارند (طیار و دیگران، ۱۴۳۲ق، ۱/۴۸۸).

(۳) تفصیل بین آن‌که بر میت غایب نماز خوانده شده باشد یا خوانده نشده باشد: بر اساس این دیدگاه، اگر بر میت غایب نماز نخوانده باشند، بر وی نماز خوانده می‌شود و اگر بر وی نماز خوانده باشند، نماز غایب بر وی خوانده نمی‌شود، مگر آن‌که از لحاظ علم یا مال یا وجهه برجسته و شاخص باشد، در این صورت بر وی نماز غایب خوانده می‌شود. ابو داود سجستانی

(صدیقی عظیم آبادی ، ۱۴۱۵ق، ۵/۹)، ابن عثیمین (۱۴۱۳ق، ۱۴۶/۱۷) و آلبنانی (۱۴۰۶ق، ۹۲) و برخی دیگر به این دیدگاه گرایش دارند.

۴) جواز نماز خواندن بر میت غایب در فرضی که برای مسلمانان مفید بوده است: بر اساس این دیدگاه در صورتی بر میت غایب نماز خوانده می‌شود که برای مسلمانان سودمند بوده است، مثل آن که میت، عالمی باشد که مردم از علم وی سود برند. یا میت، تاجری باشد که مردم از علم وی سود برند. یا مجاهدی باشد که جهاد وی موجب نفع مردم باشد و موارد مانند این‌ها. علت جواز خواندن نماز غایب در موارد یاد شده آن است که کارهای وی را سپاس گویند و نام نیک وی را زنده نگه دارند و دیگران به ویژگی‌های مثبتی که آن میت دارا بوده تشویق شوند (طیار و دیگران ، ۱۴۳۲ق، ۴۸۸/۱).

۵) جواز نماز بر میت غایب در صورتی که در جهت قبله باشد: بر اساس این قول تنها در صورتی نماز بر میت غایب جایز است که جنازه اش در جهت قبله باشد؛ اگر میت در جهت قبله نباشد، نماز غایب خواندن بر او صحیح نیست. ابن حبان تمیمی از قائلان به این دیدگاه می‌باشد (ابن حبان، ۱۴۱۴ق، ۳۶۶/۷).

۶) جواز نماز بر میت غایب در فرضی که به وی خبر داشته شود که مرگش نزدیک است (نمری قرطبی ، بی‌تا، ۳۲۸/۶).

۶،۵. نماز غایب در بلاد کبیره از نگاه فقه اهل سنت

شهرهای بغداد، خرطوم ، کلاله و حاج یوسف از بلاد کبیره هستند. درباره اقامه «نماز میت غایب» بر کسی که در این گونه شهرها یا نواحی آنها وفات یابد، اختلاف می‌باشد؛ لذا درباره این که آیا مسلمانان غرب بغداد می‌توانند بر مسلمانی که در شرق بغداد وفات یافته است، نماز میت غایب بخوانند؟ دو قول وجود دارد:

۱- جواز چنین نمازی

۲- عدم جواز چنین نمازی. بیشتر علما، همچون اصحاب ابوحنیفه، مالک، شافعی و احمد بن حنبل با وجود کبیره بودن یک شهر، جایز ندانسته‌اند که فردی که در یک طرف چنین شهرهایی وفات یافته، افراد دیگر آن شهر که در جهت دیگر آن قرار دارند، بر وی نماز بخوانند (شعود، ۱۴۲۷ق، ۵/۲۳۲).

قائلان دیدگاه جواز به چند دسته تقسیم می‌شوند، که عبارتند از:

اول — گروهی از اصحاب احمد بن حنبل و شافعی، چنین نمازی را برای بلاد کبیره جایز دانسته‌اند؛ فرقی نمی‌کند که جنازه میت در کدام قسمت چنین شهرهایی باشد.

دوم — محققان از اصحاب احمد بن حنبل و شافعی گفته‌اند که شرط جواز چنین نمازی آن است که میت در یکی از دو طرف بلد کبیره وفات یافته باشد.

سوم — برخی گفته‌اند اگر مسلمانی در یک طرف شهر وفات یافته باشد، نماز غایب خواندن بر وی جایز است، خواه آن شهر کبیره باشد یا نباشد، چنان‌که در عصر ابو حامد و ابو عبد الله بن حامد فردی در یک طرف بغداد وفات یافته و ابو عبد الله بن حامد و عده‌ای در سمت دیگر بغداد بر او نماز خوانده‌اند (شعود، ۱۴۲۷ق، ۵/۲۳۲).

۶. نماز بر میت غایب از دیدگاه فقه زیدیه

زیدیه در ذیل پرسشی تحت عنوان «هل تجوز الصلوة علی المیت الغایب عن البلد؟»، اشاره نموده‌اند که در این باره دو مذهب وجود دارد: مذهب نخست که نماز بر میت غایب را جایز نمی‌داند، که دیدگاه امامان عترت هادی، قاسم و ناصر می‌باشند. زیدیه به دیدگاه نخست، یعنی عدم جواز نماز بر میت غایب باور داشته و آن را رأی عترت و دیگران دانسته‌اند (مؤید بالله، بی تا، ۴/۴۱۶).

زیدیه درباره عدم جواز نماز بر میت غایب به دلایل زیر استناد نموده‌اند:

(۱) کلام پیامبر (ص) که در آن فرموده‌اند: «لا یصلی أحدٌ علی موتاکم ما دمت فیکم»، جمله مزبور

درباره میت حاضر صدق می‌کند و بر میت غایب صادق نیست.

۲) نماز به میت تعلق دارد؛ لذا جز کسانی که بر جنازه او حضور دارند، مجاز به خواندن آن نیستند

(مؤید بالله، بی تا، ۴ / ۴۱۶).

زیدیه گرچه به عدم جواز نماز بر میت غایب باور دارند، با این حال به وقوع نماز پیامبر(ص) بر نجاشی که در مکه نبوده است، تصریح نموده و در توجیه نماز بر نجاشی گفته‌اند که نماز مزبور، همانند دیگر خصائص النبی به پیامبر(ص) اختصاص دارد؛ لذا دیگران مجاز به انجام آن نیستند؛ از سویی ممکن است که نماز مزبور به نجاشی اختصاص داشته باشد و نمی‌توان آن را به دیگر اموات غایب سرایت داد (مؤید بالله، بی تا، ۴ / ۴۱۶).

#### ۷. نماز بر میت غایت از نگاه اباضیه

اباضیه از پیروان عبد الله اباض، تنها گروه باقی مانده خوارج هستند که در برخی نقاط از جمله عمان پیروانی دارند. دیدگاه فقهی ایشان درباره نماز بر میت غایب حایز اهمیت می‌باشد، چنان‌که احمد بن حمد خلیلی مفتی اعظم اباضیه در عمان در پاسخ پرسش «آیا نماز بر میت غایب شرعیت دارد؟ بر فرض مشروع بودن آیا به طور کلی مشروع است و یا شرعیت آن به فرضی اختصاص دارد که بر میت غایب، نماز نخوانده باشند؟» گفته است: «نماز بر میت غایب از سوی پیامبر(ص) شرعیت یافته است، آن حضرت بر نجاشی نماز خوانده و به اصحاب خویش دستور داده که بر نجاشی نماز بخوانند» (خلیلی، ۲۰۱۲، ۳۴) از وی پس از رد توجیه و تأویل‌هایی که برای رد نماز بر نجاشی بیان شده تصریح نموده که عدول از این نماز جایز نیست؛ زیرا نماز بر میت موجب شفاعت است بنابراین مانعی برای جواز چنین نمازی وجود ندارد (خلیلی، ۲۰۱۲، ۳۴).

در نقد دیدگاه اباضیه باید گفت که اولاً: نماز بر میت باید بر اساس ضوابط شرعی باشد؛ لذا با توجه به عدم حضور جنازه میت، چنین نمازی دلیل شرعی آن را تأیید نمی‌کند. ثانیاً: کلمه «صلوة» در روایات مربوط به نماز پیامبر(ص) بر نجاشی به معنای دعا است که می‌تواند به شفاعت میت کمک کند، از سوی دیگر بر فرض که کلمه مزبور به معنای نماز باشد، خاص پیامبر(ص) و نجاشی است و به دیگر موارد تسری نمی‌یابد.

#### ۸. شرط حضور جنازه در اقامه نماز میت

از مجموع آنچه گذشت، می‌توان گفت که شرط «لزوم و عدم لزوم حضور میت» در نماز میت، موجب اختلاف در جواز و عدم جواز نماز بر میت غایب شده است، از همین رو قائلان به عدم جواز نماز بر میت غایب، همچون امامیه (بروجردی، ۱۴۲۸ق، ۴/ ۲۸۴)، حنفیه (حصفکی، ۱۴۱۵ق، ۲/ ۲۲۶)، مالکیه (عوایشه، ۱۴۲۳ق، ۲/ ۵۴۹۷) و زیدیه (مؤید بالله، بی‌تا، ۴/ ۴۱۶) بر حضور جنازه در هنگام برگزاری نماز میت تأکید نموده و آن را از شرایط صحت نماز میت به‌شمار آورده‌اند. اما برعکس مذاهب فقهی که نماز بر میت غایب را جایز دانسته‌اند، همچون حنابله و شافعیه (شحود، ۱۴۲۷ق، ۵/ ۲۳۲) و اباضیه (خلیلی، ۲۰۱۲، ۳۴) حضور جنازه را لازم ندانسته‌اند، حال باید دید که آیا حضور جنازه در هنگام نماز میت ضروری و لازم است؟ برای پاسخ به این پرسش باید شرط مزبور از دیدگاه مذاهب فقهی مختلف اسلامی به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

#### ۱.۸. شرط حضور جنازه در فقه امامیه

از نگاه امامیه دلایل چندی شرط بودن حضور جنازه در هنگام نماز بر جنازه تأیید می‌کنند، که از جمله آنها عبارتند از:

(۱) عنوان «نماز میت» بر آنچه که بر میت غایب خوانده می‌شود صادق نیست، یا آن‌که در صدق آن شک و تردید است.

(۲) ادله‌ای که بر مشروع نبودن نماز میت دلالت دارند عام بوده و شامل نماز بر میت غایب نیز می‌شوند.

(۳) مسلمانان پیشین به‌طور مستمر نماز بر میت غایب را ترک نموده‌اند، به‌ویژه در مورد بزرگانی، چون پیامبر(ص) و مانند ایشان، نماز میت غایب نخوانده‌اند، اگر چنین نمازی جایز بود، آن را ترک نمی‌کردند.

۴) شروط «رو به قبله بودن جنازه»، «به پشت خوابانده شدن جنازه» با علم به حضور جنازه

قابل تحقق هستند (نجفی، بی تا، ۱۲/۶۰؛ کاشف الغطاء، بی تا، ۷۸).

۵) برخی از نصوص بر شرطیت حضور جنازه تصریح دارند (خویی، ۱۴۱۸ق، ۹/۲۵۵)، چنان که

در آموزش نماز میت آمده است: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَسْجِيَّ قَدَامَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَقَدْ قَبَضَتْ رُوحَهُ

إِلَيْكَ وَقَدْ احتَاجَ إِلَي رَحْمَتِكَ» (کلینی، ۱۴۲۷ق، ۵/۴۷۳). بدیهی است که کلمه «قدامنا» و عبارت «

هذا المسجی» بر شرطیت حضور جنازه در هنگام اقامه نماز میت تصریح دارند.

۶) بر فرض مطلق بودن روایاتی که از لزوم نماز میت سخن می گویند، به دلیل فراهم نبودن

مقدمات حکمت، نمی توان از آنها شرعیت نماز بر میت غایب را نتیجه گرفت؛ زیرا از جمله مقدمات

حکمت نبودن قدر متیقن است، حال آن که در اینجا قدر متیقن وجود دارد؛ زیرا قدر متیقن ادله نماز

میت، فرض حضور جنازه می باشد.

۷) در فرض شک در لزوم خواندن نماز بر میت غایب، اصل برائت بر عدم لزوم آن دلالت

خواهد داشت.

۸) روایاتی که از اقامه نماز میت بر نجاشی سخن می گویند، گذشته از ضعف سند (ابن غضایری،

بی تا، ۹۸) از حیث دلالت نیز قابل خدشه هستند؛ زیرا با روایاتی که کار پیامبر(ص) را دعا تعبیر

نموده اند، تعارض دارند، بر فرض که صلاة در روایت مزبور به معنای نماز باشد، با توجه به حضور

جنازه نجاشی برای پیامبر(ص) نماز بر میت غایب تحقق نیافته است.

۹) تصریح به وقوع هفت تکبیر در نماز نجاشی، با روایاتی که پنج بار تکبیر را برای میت مؤمن

شرط دانسته اند، تعارض دارد (شوشتری، ۱۴۰۶ق، ۱/۴۰۰).

۲.۸. شرط حضور جنازه در فقه اهل سنت

درباره شرط حضور جنازه در نماز میت از نگاه اهل سنت موارد زیر حایز اهمیت هستند:



۱) اضافه کلمه «صلوة» به «الجنزة» نشانگر لزوم حضور جنازه است؛ زیرا جنازه سبب صلوة است، از سویی حکم همواره با سبب آن مرتبط است، چنانکه تلاوت آیه سجده دار سبب سجده است (ابو المعالی بخاری حنفی، ۱۴۲۴ق، ۲/۲۰۱؛ صدر الدین، ۱۴۲۴ق، ۱/۴۷۴).

۲) توقیفی بودن عبادات نشانگر آن است که صحت نماز میت در فرض حضور جنازه متیقن است، مگر آنکه دلیلی بر جواز نماز میت دلالت کند (عفانه، ۱۴۱۷ق، ۳۴). با توجه به آنکه درباره اشخاصی، همچون خلفای راشدین نماز میت غایب خوانده نشده، باید به قدر متیقن نماز غایب، یعنی غایبانی که در هنگام فوت برای ایشان نماز میت خوانده نشده است، بسنده نمود (عفانه، ۱۴۱۷ق، ۳۴)؛ لذا حضور جنازه برای صحت نماز میت شرط نیست.

۳) اختلاف در باره نماز بر افرادی که یک طرف شهر کبیر وفات یافته‌اند و مسلمانانی که در طرف دیگر آن شهر قرار دارند، بر ایشان نماز می‌خوانند (شحود، ۱۴۲۷ق، ۵/۲۳۲) نیز از شرطیت و عدم شرطیت حضور میت ناشی شده است.

۴) فعل پیامبر(ص) درباره نجاشی موجب اختلاف شده؛ زیرا قاتلان به بطلان نماز بر میت غایب، با مواردی همچون دعا بودن کار پیامبر(ص)، خصائص النبی بودن کار مزبور، حضور جنازه نجاشی برای پیامبر(ص) و مانند آن، کار پیامبر(ص) را توجیه نموده‌اند، اما قاتلان جواز نماز بر میت غایب بر نماز بودن تأکید نموده و حتی برخی از ایشان آن را به موارد مشابه تسری داده‌اند؛ لذا روایت مزبور برای شرطیت و عدم شرطیت حضور میت مورد استناد قرار گرفته است.

اباضیه به دلیل نقش نماز میت در تحقق شفاعت، کار پیامبر(ص) درباره نجاشی را دلیل بر عدم شرطیت حضور میت دانسته‌اند (خلیلی، ۲۰۱۲، ۳۴)؛ لذا از نگاه ایشان تحقق شفاعت و نماز پیامبر(ص) بر نجاشی دلیل بر آن است که در مورد دیگر اموات غایب نیز می‌توان نماز میت خواند. چنان که گذشت دلیل مزبور خالی از اشکال نیست؛ زیرا اولاً: نماز بر میت غایب، به دلایلی، همچون «عدم حضور جنازه» و مانند آن فاقد ضوابط شرعی است. ثانیاً: کار پیامبر(ص) در مورد نجاشی بر عدم شرطیت حضور جنازه دلالت ندارد؛ زیرا کلمه «صلوة» در روایات مربوط به نماز پیامبر(ص) بر نجاشی به معنای دعا است که می‌تواند به شفاعت میت کمک کند از سوی دیگر بر فرض که کلمه مزبور به معنای نماز باشد، به دلیل حضور جنازه نجاشی پیامبر(ص) بر میت حاضر نماز خوانده‌اند، از طرفی نماز غایب مذکور خاص پیامبر(ص) و نجاشی است و به دیگر موارد تسری نمی‌یابد.

#### ۴,۸. شرط حضور جنازه در فقه زیدیه:

دلیل آن که زیدیه نماز بر میت غایب را جایز ندانسته‌اند، آن است که حضور میت را شرط دانسته‌اند (ابو المعالی بخاری، ۱۴۲۴ق، ۲۰۱/۲). از سوی دیگر به روایت «لایصلی أحد علی موتاکم مادمت فیکم» (مؤید بالله، بی تا، ۴/۴۱۶) استناد نموده‌اند. روایت مزبور در منابع حدیثی ذکر نشده است.

#### ۹. نماز بر میت در حال اضطرار

از جمله موضوعات مهم درباره نماز بر میت پاسخ به این پرسش است که «در شرایط اضطراری، همچون شیوع بیماری وبا، کرونا نماز بر مردگان کرونایی چگونه است؟» پاسخ فقهای مذاهب اسلامی به شکل زیر مورد اشاره قرار می‌گیرد:

از نگاه فقه امامیه با وجود لزوم فرار از بیماری‌های واگیر، همچون وبا و طاعون، نماز میت و دیگر تجهیزات مربوط به مردگان هر چند به اقل ممکن باید انجام شود (یزدی، ۱۴۳۱ق، ۱/۲۸۰). با این حال در مواردی خواندن نماز میت بر قبر او ممکن است، مثل آن‌که نماز یومیه واجب با نماز میت تراحم پیدا کند و از تأخیر در دفن میت ترسیده شود، در این صورت تأخیر نماز میت به پس از دفن وی ممکن می‌باشد (عاملی، ۱۴۱۹ق، ۴/۳۰۳). همچنین در فرضی نماز میت ترک شده باشد، لازم است که بر قبر میت نماز بخوانند (سبزواری، بی تا، ۱/۱۱۱). در مواردی که نماز میت از روی عصیان یا فراموشی یا عذرهای دیگر ترک شده است خواندن نماز میت بر قبر میت امکان پذیر است، با این حال باید در نماز مزبور باید شرایطی چون رو به قبله بودن، حضور بر قبر و... رعایت شود (آملی، ۱۳۸۰ش، ۶/۳۹۲). از موارد یاد شده می‌توان نتیجه گرفت که از باب لزوم تقدیم اهم بر مهم، در حال اضطرار تأخیر نماز میت به پس از دفن وی ممکن است.

آیت الله مکارم شیرازی در پاسخ پرسش «آیا نماز بر میتی که داخل ماشین است صحیح است؟ در شرایط اضطراری، مانند کرونا حکم چیست؟» گفته‌اند: «در صورت ضرورت مانعی ندارد» (مکارم شیرازی، [makarem.ir](http://makarem.ir)). پاسخ مزبور نشانگر آن است که در شرایط اضطراری، همچون کرونا در خواندن نماز میت رعایت برخی از شروط ضروری نیست.

## ۲) فقه اهل سنت:

چنان‌که گذشت، اهل سنت در شرایط اضطرار همچون کرونا، بر این باورند که می‌توان نماز میت را با روش‌های چندی به جای آورد، از جمله: الف- با رعایت نکات ایمنی جسد میت در فاصله دور از نمازگزاران قرار داده شود. ب- پس از دفن میت بر قبر وی نماز بخوانند. ج- بر وی نماز میت

غایب بخوانند (عبدالله هادی، ۲۰۲۰م، ۱۰۰۷)

نتیجه‌گیری

۱- همه مذاهب فقهی اسلامی درباره «عمل صلوة» پیامبر(ص) بر نجاشی اتفاق دارند؛ اما دلایل چندی موجب اختلاف ایشان درباره نماز بر میت غایب شده است؛ اختلاف مزبور معلول عوامل چندی است، از جمله: (۱)- در پاره‌ای از روایات منقول از امامیه و اهل سنت، «صلوة» به معنای دعا یا استغفار تفسیر شده است. (۲)- برخی از فقهای امامیه و اهل سنت با استناد به روایاتی بر این باورند که روح یا جسم نجاشی برای پیامبر(ص) حاضر شده و در نتیجه پیامبر(ص) بر میت حاضر نماز خوانده اند نه بر میت غایب. (۳)- برخی نماز پیامبر(ص) بر نجاشی را به ایشان محدود دانسته و آن را به موارد دیگر قابل تعمیم ندانسته‌اند، اما برخی به دلایلی، همچون معنای نجاشی آن را به شخصیت‌هایی که از لحاظ علمی، موقعیت اجتماعی و... شاخص هستند، تعمیم داده‌اند. (۴) - برخی از شرایط نماز میت، همچون رو به قبله بودن میت، حضور جنازه میت، جلو نمازگزار بودن جنازه میت نیز باعث شده که درباره نماز بر میت غایب دیدگاه‌های گوناگونی یافت شوند، از همین رو برخی از فقهای اهل سنت که نماز بر میت غایب را جایز دانسته‌اند، بر این باورند که تنها در صورتی که میت در جهت قبله می باشد، نماز خواندن بر وی جایز است. برخی از فقهای اهل سنت نیز بر این باورند که برای خواندن نماز بر میت غایب، تنها لازم است که نمازگزاران رو به قبله باشند.

۲- دلایل دیگر، همچون وقوع یا عدم وقوع خارجی چنین نمازی در زمان پیامبر(ص) و مسلمانان پس از ایشان نیز اختلاف درباره جواز و عدم جواز نماز بر میت غایب را موجب شده‌اند.

مرور زمان باعث شده که «میت غایب» دامنه بیشتری یابد، این امر را می‌توان از دلایلی، همچون جواز نماز میت غایب بر مردگان یک سمت بلاد کبیره توسط مسلمانان دیگر سمت این بلاد، همچنین جواز اقامه نماز میت غایب در منزل، بر مردگان کرونایی، که برخی به آن تصریح نموده‌اند، و مانند آن نتیجه گرفت.



## قرآن کریم

- ۱- آلبانی اشقودری، ابو عبد الرحمن ناصر الدین (۱۴۰۶ق)، احکام الجنائز، ج ۴، بیروت: المكتبة الاسلامیة.
- ۲- آملی، محمد تقی (۱۳۸۰ش)، مصباح الهدی، ج ۱، تهران: نشر مؤلف.
- ۳- ابن امام، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، سلاح المؤمن فی الدعاء و الذکر، بی چا، بیروت و دمشق: دار ابن کثیر.
- ۴- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، الخصال، ج ۱، قم: جامعه مدرسین.
- ۵- ابن تیمیه، احمد بن عبد العظیم (۴۳۲ق)، جامع المسائل، مکه: دار عالم الفوائد.
- ۶- ابن حزم اندلسی، علی بن احمد (بی تا)، المحلی، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر.
- ۷- ابن حبان تمیمی، حیان بن احمد (۱۴۱۴ق)، صحیح ابن حبان، ج ۲، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- ۸- ابن خثیمه، ابو بکر احمد (۱۴۲۷ق)، التاریخ الکبیر، قاهره: الفاروق الحدیث للطباعة و النشر.
- ۹- ابن عابدین، محمد امین (۱۴۱۵ق)، حاشیة رد المختار، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- ۱۰- ابن عثیمین، محمد بن صالح (۱۴۱۳ق)، مجموع فتاوی و رسائل العثیمین، بی جا: دار الوطن- دار الثریا.
- ۱۱- ابن غضایری، ابو الحسن احمد (بی تا)، کتاب الضعفاء- رجال ابن غضایری، قم: بی نا.
- ۱۲- ابن قدامه، عبد الله بن قدامه (۱۳۸۸ق)، المغنی، بیروت: دار الکتب العربی.
- ۱۳- ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید (بی تا)، سنن ابن ماجه، بیروت: دار الفکر.
- ۱۴- ابو نعیم اصفهانی، احمد بن عبد الله (۱۹۳۴م)، ذکر اخبار اصبهان، لیدن: بی نا.
- ۱۵- ابی داود سجستانی، سلیمان بن اشعث (بی تا)، سنن ابی داود، بیروت: دار الکتب العربی.
- ۱۶- ابو داود طیالسی، سلیمان بن داود (۱۴۱۹ق)، مسند ابوداود طیالسی، مصر: دار هجر.
- ۱۷- ابوالمعالی برهان الدین، محمود بخاری (۱۴۲۴ق)، المحیط البرهانی فی الفقه النعمانی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ۱۸- اشتهاودی، علی پناه (۱۴۱۷ق)، مدارک العروة، ج ۱، تهران: دار الاسوة للطباعة و النشر.

- ۱۹- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق)، صحیح البخاری، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزيع.
- ۲۰- بروجردی، حسین (۱۴۲۸ق)، نهاية التقرير، تقرير محمد فاضل لنکرانی، بی جا: بی نا.
- ۲۱- البهوتی، منصور بن یونس (۱۴۱۸ق)، کشف القناع عن متن الاقناع، بی جا: دار الکتب العلمیة.
- ۲۲- ترمذی، محمد بن عیسی (بی تا)، سنن الترمذی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۲۳- حصفکی، محمد علاء الدین (۱۴۱۵ق)، الدر المختار، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزيع.
- ۲۴- خلیلی، احمد بن حمد (۲۰۱۲م)، فتاوی الشیخ احمد بن حمد الخلیلی فی احکام الجنائز، بی جا: الجمعية العمانيّة للكتاب و الادباء .
- ۲۵- خویی، ابو القاسم (۱۴۱۸ق)، موسوعة الامام الخویی، ج ۱، قم: مؤسسه احیاء آثار امام الخویی.
- ۲۶- ذهبی، شمس الدین محمد (۱۴۱۳ق)، سیر اعلام النبلاء، ج ۹، بیروت: مؤسسه الرسالة.
- ۲۷- \_\_\_\_\_ (۲۰۰۳م)، تاریخ الاسلام، بی جا: دار الغرب الاسلامی.
- ۲۸- راوندی، قطب الدین (۱۴۰۷ق)، دعوات الراوندی، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
- ۲۹- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۹ق)، الخراج و الجرایح، قم: مؤسسه امام مهدی عیج.
- ۳۰- سبزواری، محمد باقر (بی تا)، کفایة الاحکام، ج ۱، اصفهان: انتشارات مهدی.
- ۳۱- سرخسی، شمس الدین (۱۴۰۶ق)، المبسوط، ج ۳، بیروت: دار المعرفة للطباعة و النشر و التوزيع .
- ۳۲- سیوری حلی، مقداد بن عبد الله (بی تا)، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۱، قم: بی نا.
- ۳۳- سیوطی رحیبانی، مصطفی (۱۹۶۱م)، مطالب اولی النهی، دمشق: المکتب الاسلامی.
- ۳۴- شافعی، محمد بن ادريس (۱۴۰۲ق)، کتاب الام، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر.
- ۳۵- شحود، علی بن نایف (۱۴۲۸ق)، موسوعة فقه العبادات، بی جا: بی نا.
- ۳۶- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۷ق)، موسوعة الدین النصیحة، بی جا: بی نا.
- ۳۷- \_\_\_\_\_ (بی تا)، الخلاصة فی احکام الشهید، بی جا: بی نا.

۳۸- شنیطی، محمد بن محمد (۱۴۳۶ق)، لوامع الدرر فی هتک استار المختصر، ج ۱، موریتانیا: دار الرضوان.

۳۹- شوشتری، محمد تقی (۱۴۰۶ق)، النجعة فی شرح اللمعة، ج ۱، تهران: کتابفروشی صدوق.

۴۰- صدر الدین، علی بن علی (۱۴۲۴ق)، التنبيه على مشکلات الهدایه، مدینه منوره: مكتبة الرشد ناشرون.

۴۱- صدیقی عظیم آبادی، محمد اشرف (۱۴۱۵ق)، عون المعبود فی شرح سنن ابی داود، ج ۲، بیروت: دار الکتب العلمیة.

۴۲- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵ش)، تهذیب الاحکام، ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیة .

۴۳- طیار، عبد الله بن محمد و مطلق؛ عبد الله بن محمد و موسی، محمد بن ابراهیم (۱۴۳۲ق)، الفقه المیسر فی ضوء الكتاب و السنة، ریاض: مدار الوطن للنشر.

۴۴- عاملی، سید جواد (۱۴۱۹ق)، مفتاح الكرامة، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۴۵- عبد الله هادی، شهد احمد (۲۰۲۰م)، الاجرائات الاحترازية للحد من انتشار عدوی فیروس کورونا، مجلة كلية الدراسات الاسلامیة و العربیة، ۹۷۵-۱۰۲۸.

۴۶- علامه حلّی، حسن بن یوسف (بی تا)، تذکرة الفقهاء، ط قدیم، ج ۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی .

۴۷- \_\_\_\_\_ (بی تا)، تحریر الاحکام، ج ۱، مشهد: مؤسسه آل البيت (ع) .

۴۸- علوی گرگانی، محمد علی (۱۳۹۵ش)، المناظر الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، کتاب الصلوة، قم: نشر فقیه اهل بیت (ع).

۴۹- عفانه، حسام الدین (۱۴۱۷ق)، صلاة الغایب، قدس: بی نا.

۵۰- عوایشه، حسین بن عوده (۱۴۲۳ق)، الموسوعة الفقهیة، عمان و بیروت: المكتبة الاسلامیة و دار حزم.

۵۱- کاشف الغطاء، علی بن محمد رضا (۱۳۸۱ق)، النور الساطع فی الفقه النافع، ج ۱، نجف اشرف: مطبعة الاداب.

۵۲- \_\_\_\_\_ (بی تا)، اسس التقوی لنیل جنة المأوی، بی جا، بی جا: مؤسسه کاشف الغطاء.

۵۳- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، الکافی، ج ۱، قم: دار الحدیث للطباعة و النشر.



۵۴- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۶ق)، ملاذ الاخبار فی فهم تهذیب الاخبار، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.

۵۵- مسلم نیشابوری، ابی الحسین (بی تا)، صحیح مسلم، بیروت: دار الفکر.

۵۶- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۱ق)، الفقه علی المذاهب الخمسة، ج ۱۰، بیروت: دار التیاری جدید دار الجواد.

۵۷- مؤید بالله، یحیی بن حمزه بن ابراهیم (بی تا)، الانتصار علی علماء الامصار، بی جا: بی نا.

۵۸- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۰۱ش)، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله مکارم شیرازی، اقامه نماز در شرایط اضطرار بر میتی که داخل ماشین است (makarem.ir)، ۱۴۰۱/۳/۸، ساعت ۲۰.

۵۹- نجفی، محمد حسن (بی تا)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۶۰- نسائی، احمد (۱۴۱۱ق)، السنن الکبری، بیروت: دار الکتب العلمیه.

۶۱- نووی، زکریا محی الدین (بی تا)، المجموع، بیروت: دار الفکر.

۶۲- نمری قرطبی، ابو عمر یوسف (بی تا)، التمهید لما فی الموطأ من المعانی و الاسانید، بی جا: مؤسسه القرطبه.

۶۳- واحدی نیشابوری، علی بن احمد (۱۳۸۳ش)، اسباب النزول، ترجمه علیرضا قراگوزلو، تهران: نشر نی.

۶۴- یزدی، محمد کاظم طباطبایی (۱۴۳۱ق)، العروة الوثقی مع تعلیقات المنتظری، بی جا: بی نا.